

اعترافات وحشتناک مأمور سابق سیا در خصوص فضاپیماها



ساعت نوار صوتی مصاحبه کرد که در آن او با نام «مأمور کیوپر» نامیده می‌شد. با این حال، پس از این مصاحبه، گفته می‌شود که سیا به او هشدار داده بود که دیگر در گفت‌وگوهای مربوط به دوران سربازی‌اش شرکت نکند. سپس، در سال ۲۰۱۳، سلامتی او رو به افول بود و او می‌ترسید که ممکن است بمیرد، بنابراین برای یک مکالمه دیگر، این بار با ریچارد دولان، از مخفیگاه بیرون آمد.

او ادعا کرد که او را به منطقه ۵۱ برده‌اند تا به مواردی که گفته می‌شود توسط دولت ایالات متحده پیدا و بازیابی شده است، نگاه کند. او گفت که در میان آنها یک بشقاب پرنده بود که در ژوئیه ۱۹۴۷ در رازول، نیومکزیکو سقوط کرد و فرود آمد. او همچنین ادعا کرد که بیگانگان زنده از این کشتی گرفته شده بودند و او را به مرکز S-4 منطقه-۵۱ بردند - جایی که او فراز زمینی‌های زنده را دید.

او گفت: ۱۳ یا ۱۵ مایل طول کشید تا به ۴ رسیدیم و آنچه دیدیم مانند نعلبکی بودند و ظاهراً همه موجودات فضایی که در آن بودند مرده بودند به جز یک زن و شوهر و می‌توانستیم در کنار آن فضاپیما راه برویم و وزن کل آن احتمالاً ۱۵۰ تا ۳۰۰ پوند بود. کیوپر ادامه داد: در ۴ ما فیلم کالبد شکافی را دیدیم و سپس سرهنگ گفت که ما با یک بیگانه خاکستری مصاحبه می‌کنیم. سپس دولان پرسید: این بیگانه خاکستری چه شکلی بود، می‌توانید کمی آنها را توصیف کنید؟

که او پاسخ داد: اندازه سرش در مقایسه با یک انسان، معمولی به نظر نمی‌رسید. به عنوان مثال، مغز کمی بزرگ‌تر بود و بینی بسیار بسیار کوچک و گوش‌ها بسیار کوچک بود.

مردی که ادعا می‌کرد مأمور سابق سیا است، در حالی که در بستر مرگ بود، ادعاهای تکان‌دهنده‌ای درباره منطقه ۵۱ کرد. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، مرد ناشناس مدعی شد هنگام کار در منطقه ۵۱ یک فضاپیمای فرازمینی را دیده است و حتی ویژگی‌های یک موجود بیگانه زنده را توصیف کرد. او ادعا کرد دلیلی که توانسته این چیزهای عجیب و غریب را ببیند، این بود که موقعیت او به عنوان عضوی از ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی به این معنی بود که به او اجازه دسترسی داده شده بود. این مرد ۷۷ ساله با ریچارد دولان، محقق بشقاب پرنده، صحبت کرد، اما تصمیم گرفت ناشناس بماند، زیرا نگران این بود که اگر هویت واقعی خود را فاش کند، چه اتفاقی می‌افتد. گفته می‌شود که این مأمور در طول فعالیت خود در سیا از یک نام جعلی استفاده کرده است، بنابراین نام واقعی او هرگز تأیید نشد.

او بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ برای سازمان سیا کار می‌کرد و مدتی را در یک پایگاه نظامی در جنوب شرقی ایالات متحده گذراند، جایی که آنها شواهد فیزیکی را تجزیه و تحلیل کردند. روزنامه‌نگار، لیندا مولتون هاو، در سال ۱۹۹۸ با این مرد در ۱۱

به یهانه روز پرستار

به یاد فیلم عاشقانه‌ای که لیلیا حاتمی «شیدا» شد



وقتی پای عشق و عاشقی در میان باشد، ممکن است دو جوان عاشق از تمام شدن جنگ دلگیر شوند چرا که می‌دانند با این اتفاق، رشته پیوند میان آنان از هم گسیخته می‌شود. فرهاد و شیدا دو جوان عاشق فیلم «شیدا» چنین حال و روزی داشتند. به گزارش ایسنا، فیلم «شیدا» ساخته کمال تبریزی یکی از آثار است که یکی از دو شخصیت محوری آن یک زن پرستار است و ما به بهانه روز پرستار از این فیلم یاد می‌کنیم.

کمال تبریزی که در دوره‌ای آثار متنوعی در کارنامه کاری خود به ثبت رسانده است، در ادامه پرداختن به آثاری با موضوع جنگ، ساخت فیلم «شیدا» تلاش کرده در دل یک فیلم عاشقانه، نگاهی به جنگ داشته باشد.

هرچند در آن مقطع به او تقد شد که داستان عاشقانه این فیلم توانست در دل هر حادثه‌ای رخ بدهد. با این همه شیدا جزو معدود آثار جنگی است که فضایی کاملاً عاشقانه دارد و از آن به عنوان فیلمی لطیف یاد می‌شود.

«شیدا» داستان دختر و پسر جوانی به نام شیدا و فرهاد است. فرهاد پسر خانواده‌ای مرفه، در دوران جنگ به خدمت سربازی می‌رود. هرچند پدر او با نفوذی که دارد، می‌کوشد تنها پسر خود را از جبهه جنگ دور نگه دارد، پسر جوان که شاید به دنبال اثبات مردانگی خویش است، اتفاقاً تلاش می‌کند تا به جبهه راه یابد و به عنوان نام‌رسان مشغول به فعالیت می‌شود. مجروح شدن او از چند ناحیه از جمله چشم، کار او را به بستری شدن در بیمارستانی صحرایی می‌کشد و اینجاست که پای شیدا به میان می‌آید. چشمان فرهاد کاملاً بسته است و او که از چند ناحیه آسیب دیده، درد زیادی را تحمل می‌کند تا اینکه یکی از دوستان فرهاد که شاهد درد کشیدن اوست، به پرستاری به نام شیدا سفارش می‌کند برای تسکین درد این مجروح برایش قرآن بخواند و همین موضوع، سبب ایجاد رابطه‌ای عاطفی میان این دو می‌شود.

در اینجا مرد جوان بدون دیدن دختر و تنها با شنیدن صدای او دل می‌بازد و ... با همان چشمان بسته با نگرش نامهای از او درخواست ازدواج می‌کند اما با پایان یافتن جنگ، رشته ارتباط میان این دو گسسته می‌شود تا جایی که خبر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، چنان ضربه‌ای مهلک فرهاد را در هم می‌کوبد. او خواهان ادامه جنگ است تا بار دیگر شیدا را بیابد. گویی جنگ برای این دو جوان عاشق، تنها راهی است برای با هم بودن و حال اینکه بعد از یکسری اتفاقات، این دو، بار دیگر سر راه یکدیگر قرار می‌گیرند و این بار عشق شیدا، فرهاد را از چنگال مرگ می‌رهاند و به آغوش زندگی بازمی‌گرداند.

«شیدا» محصول سال ۱۳۷۷ است،

تحوالاتی در زندگی عاطفیت ایجاد می‌شود که باب میل تو نیست. گرچه سخت خواهد بود اما تو می‌توانی خودت را با شرایط تازه هماهنگ سازی. پس از این دوران سخت، زمان خوشحالی و شادی فرامی‌رسد.

مهر

فروردین

اردیبهشت

خرداد

تیر

مهر

آبان

دی

آذر

چرا که فقط روند کارگردانی آواتار را توضیح داده بود. سالدانیا گفت دنیای پاندورا برای من واقعا عجیب بود. زبان انگلیسی زبان اول من نیست بنابراین کمی سخت بود. این هنرپیشه آمریکایی ملاقات با جیمز کامرون را عصبی‌ترین لحظه در جریان تست بازیگری آواتار یاد کرده و می‌گوید جیم وارد شد او خیلی خوب بود. گفت آماده هستی تا با خودت ملاقات کنی؟ در آن لحظه انگار که روح از بدنت خارج شده باشد سپس مرا به دفترش برد تا چرخ (فرمان) بزرگ کشتی را ببینم ایده‌ای نداشتم چرخ تایپانیک است. در حال تجربه یک حس خارج از بدنت بودم. سالدانیا گفت روی میز مجسمه‌ای از نیتیری شخصیته که قرار بود بازی کنم وجود داشت. انگار که رو به روی من نشسته باشد و مرا نگاه می‌کند و من فکر می‌کنم عجیب نیست، عجیب نیست، نکن. عجیب رفتار کن.

چند هفته بعد از این تست به سالدانیا پیشنهاد بازی در آواتار داده شد.

چرا که فقط روند کارگردانی آواتار را توضیح داده بود. سالدانیا گفت دنیای پاندورا برای من واقعا عجیب بود. زبان انگلیسی زبان اول من نیست بنابراین کمی سخت بود. این هنرپیشه آمریکایی ملاقات با جیمز کامرون را عصبی‌ترین لحظه در جریان تست بازیگری آواتار یاد کرده و می‌گوید جیم وارد شد او خیلی خوب بود. گفت آماده هستی تا با خودت ملاقات کنی؟ در آن لحظه انگار که روح از بدنت خارج شده باشد سپس مرا به دفترش برد تا چرخ (فرمان) بزرگ کشتی را ببینم ایده‌ای نداشتم چرخ تایپانیک است. در حال تجربه یک حس خارج از بدنت بودم. سالدانیا گفت روی میز مجسمه‌ای از نیتیری شخصیته که قرار بود بازی کنم وجود داشت. انگار که رو به روی من نشسته باشد و مرا نگاه می‌کند و من فکر می‌کنم عجیب نیست، عجیب نیست، نکن. عجیب رفتار کن.

چند هفته بعد از این تست به سالدانیا پیشنهاد بازی در آواتار داده شد.

مهر

فروردین

اردیبهشت

خرداد

تیر

مهر

آبان

دی

آذر

تست عجیب بازیگری پر فروش‌ترین فیلم تاریخ



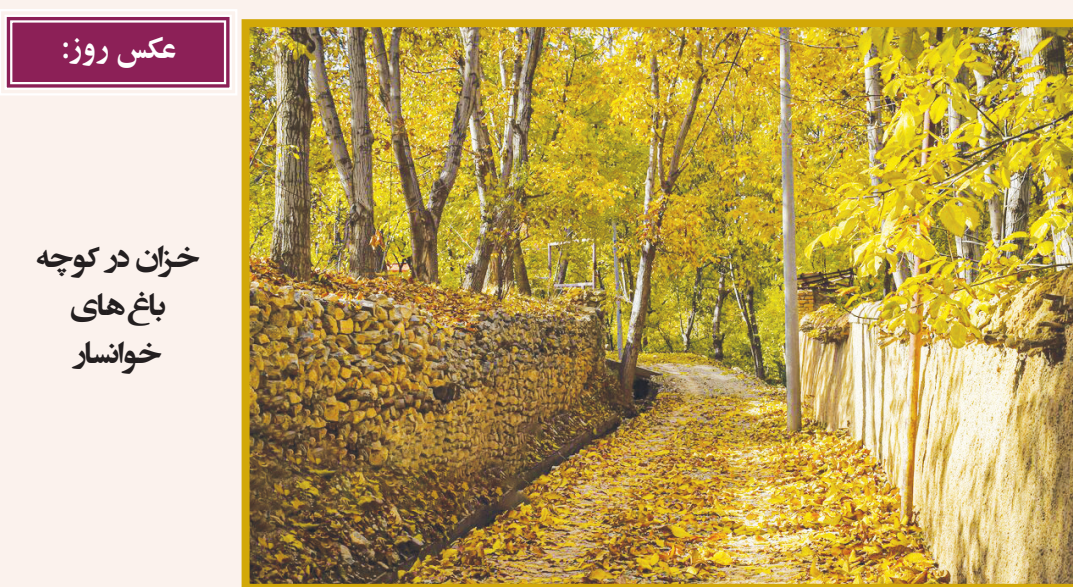
چرا که فقط روند کارگردانی آواتار را توضیح داده بود. سالدانیا گفت دنیای پاندورا برای من واقعا عجیب بود. زبان انگلیسی زبان اول من نیست بنابراین کمی سخت بود. این هنرپیشه آمریکایی ملاقات با جیمز کامرون را عصبی‌ترین لحظه در جریان تست بازیگری آواتار یاد کرده و می‌گوید جیم وارد شد او خیلی خوب بود. گفت آماده هستی تا با خودت ملاقات کنی؟ در آن لحظه انگار که روح از بدنت خارج شده باشد سپس مرا به دفترش برد تا چرخ (فرمان) بزرگ کشتی را ببینم ایده‌ای نداشتم چرخ تایپانیک است. در حال تجربه یک حس خارج از بدنت بودم. سالدانیا گفت روی میز مجسمه‌ای از نیتیری شخصیته که قرار بود بازی کنم وجود داشت. انگار که رو به روی من نشسته باشد و مرا نگاه می‌کند و من فکر می‌کنم عجیب نیست، عجیب نیست، نکن. عجیب رفتار کن.

چند هفته بعد از این تست به سالدانیا پیشنهاد بازی در آواتار داده شد.

مشهورترین کلیسای ونیز چگونه در برابر سیل محافظت شد؟

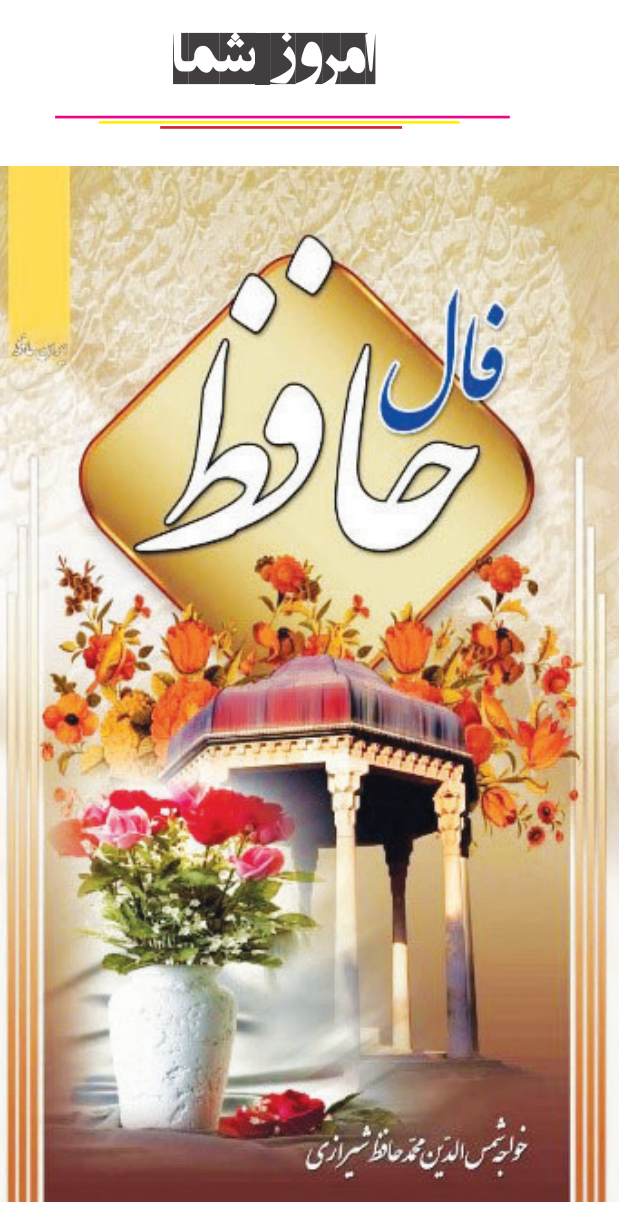
ونیز برای محافظت از کلیسای جامع «سینت مارکو» در برابر سیل، در اطراف این بنا حصار شیشه‌ای قرار داد. به گزارش ایلنا به نقل از آرت‌نیوزپیپر، کلیسای جامع «سینت مارکو» که مشهورترین بنای تاریخی ونیز محسوب می‌شود اکنون با حصارهای شیشه‌ای محاصره شده است تا این بنا را آسیب سیل‌های احتمالی معصوم نگه دارد.

این حصار که شیشه دیوار شیشه‌ای کوچکی به نظر می‌رسد از ورود آب تجمع یافته در میدان به کلیسای ۱۰۰۰ ساله ونیز جلوگیری می‌کند. در دهه‌های اخیر سیل صدها بار به کلیسای تاریخی «سینت



عکس روز: خزان در کوچه‌های باغ‌های خوانسار

امروز شما



به مسائل حاشیه‌ای توجه می‌کنی و جزئیات را بزرگ می‌کنی که حتماً به ضررت تمام می‌شود. با وجودی که این موضوع چند بار در زندگی تو تجربه شده بازهم آن را تکرار کرده و درس نمی‌گیری!

به محض ایجاد یک رابطه جدید، روابط قدیمی و دوستان را فراموش می‌کنی. این بدترین رفتار است و به از بهترین دوستانت جدا می‌کنند. بهتر باشی و یا خشونت و همه اینها بسته به انتخاب شماست.

باید بتوانی حرفت را رک و روراست بزنی. شرایط طوری است که می‌توانی یک موقعیت خوب را به چنگ آوری. به شرط آنکه جسارت و سرعت کافی داشته باشی و زودتر از رقیبان وارد عمل شوی.

به زودی حقایقی برایت آشکار خواهد شد که قضاوت تو را کاملاً دگرگون می‌کند. حقایقی که از چشم تو پنهان مانده بود و حالا می‌توانی آنها را همان طوری که هست ببینی و متعجب شوی.

دوست داری هر چه زودتر به آرزویت برسی اما این کار به زمان نیاز دارد و باید د همه چیز به سرعت روپراه می‌شود.

حسن نیست داری اما این به تنهایی کافی نیست. باید در روابط خود علاوه بر این، هوشمندی و دقت هم داشته باشی.